یک جرعه نور

دفاع از حق تا مرز شهادت؛ منش رهبران الهی

احمدعدالتیان| در ایامی که رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را در جوار مضجع مبارک علی بن موسی‌الرضا(ع) به خاک سپرده‌ایم، آیه ۲۳ سوره احزاب را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ از مؤمنان، مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند[و آن ثبات‌قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود] صادقانه وفا کردند، برخی از آن‌ها پیمانشان را به انجام رساندند[و به شرف شهادت نائل شدند]و برخی از آن‌ها[شهادت را]انتظار می‌برند و هیچ تغییروتبدیلی[در پیمانشان] نداده‌اند.» این آیه‌ای است که امام حسین(ع) نیز در کربلا، هنگام وداع با اصحابشان و گاهی بالای سر شهدا، آن را تلاوت می‌فرمودند و نشان می‌دهد که دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه صداقت در ایمان است؛ یعنی دربرابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه هستند، گروهی در انتظار شهادت‌اند. رهبرانی در دنیا حق خود را استفاده از مادیات و زندگی در رفاه می‌دانند و رهبری مثل آقای شهید ایران، تا لحظه آخر پایبند آرمان‌های خود باقی می‌ماند و به درجه رفیع شهادت می‌رسد.

همچنین طبق این آیه، مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ‌چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی‌دهد. شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب‌نشینی یادلسردی دیگر مؤمنان نمی‌شود و مؤمن با اینکه شهادت دوستان و عزیزان خود را می‌بیند، باز خود در انتظار شهادت است.

ما نیز به تأسی از رهبر شهید انقلاب و دیگر شهدای اسلام، ناامید نیستیم و منتظر شهادت خواهیم ماند؛ زیرا طبق این آیه، باب شهادت باز است و انتظار شهادت نیز خود نوعی ارزش است.

مشاوره

با چه کسی درددل کنم؟

علیرضا وکیلی| بعضی دردها را نمی‌شود برای همه تعریف کرد؛ نه به این خاطر که کسی وقت شنیدن ندارد، بلکه چون می‌ترسیم قضاوت شویم، تحقیر شویم یا اصلا درک نشویم. نتیجه این می‌شود که غصه‌ها در دل می‌مانند، ذهن مدام آن‌ها را مرور می‌کند و آرام‌آرام اضطراب، ناامیدی و احساس تنهایی جای آرامش را می‌گیرد. بسیاری از تصمیم‌های اشتباه، دعواهای خانوادگی و حتی فرسودگی‌های روحی، از همین جا آغاز می‌شود؛ از دلی که هیچ پناهی برای گفتن دردهایش، پیدا نکرده است.

قرآن کریم برای چنین لحظه‌ای، راهی متفاوت پیش‌پای انسان می‌گذارد. حضرت یعقوب(ع)، وقتی سال‌ها دوری فرزندش را تحمل کرد، قبل از شکایت به مردم، رو به خدا کرد و گفت: «إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ؛ من اندوه و غصه‌ام را فقط با خدا درمیان می‌گذارم.» (یوسف/۸۶) این جمله، فقط یک دعا نیست، بلکه یک شیوه زندگی است. یعنی قبل از آنکه بار دلت را بر دوش آدم‌هایی بگذاری که شاید نتوانند کمکی بکنند، آن را با کسی درمیان بگذار که هم تو را می‌شناسد، هم ظرفیت شنیدن همه حرف‌هایت را دارد و هم می‌تواند مسیر پیش‌رویت را روشن‌تر کند.

جالب است که روان‌شناسی نیز می‌گوید وقتی انسان احساساتش را بیان می‌کند، شدت اضطراب و نشخوار ذهنی او کاهش می‌یابد. اما مناجات یک قدم از این هم جلوتر است. تو فقط دردت را تخلیه نمی‌کنی، بلکه آن را به کسی می‌سپاری که امید را در دلت زنده می‌کند؛ به همین دلیل، دعا قرار نیست جای فکر کردن، مشورت گرفتن یا تلاش کردن را بگیرد؛ دعا، دل آشفته را آرام می‌کند تا انسان بتواند عاقلانه تصمیم بگیرد.

حالا چه‌کار کنیم؟

اگر این روزها احساس می‌کنید از درون خسته شده‌اید، لازم نیست دنبال واژه‌های خاص بگردید. پنج دقیقه در سکوت بنشینید و با زبان خودتان با خدا حرف بزنید. لازم نیست اول خواسته‌هایتان را بگویید؛ از حال دلتان بگویید: «خدایا، خسته‌ام... نگرانم... نمی‌دانم چه‌کنم.» این گفت‌وگو، احساس تنهایی را می‌شکند. بعد از مناجات، فقط یک سؤال از خودتان بپرسید: «امروز کوچک‌ترین قدمی که می‌توانم برای حل این مشکل بردارم، چیست؟» شاید راه‌حل، یک تماس، یک عذرخواهی، یک مشورت یا حتی مراجعه به یک مشاور متخصص باشد. مناجات، جای حرکت را نمی‌گیرد اما جهت حرکت را عوض می‌کند. گاهی بزرگ‌ترین اجابت دعا، این نیست که همه مشکلات از بین بروند، بلکه این است که خدا دل شکسته ما را آن‌قدر آرام کند که دوباره توان برخاستن و ادامه دادن را پیدا کنیم.

آداب زیارت

حضور، معرفت و ادب در پیشگاه امام رضا(ع)

ابراهیمی| زیارت حرم امام‌رضا(ع) فقط قدم گذاشتن در صحن‌وسرای آستان مقدس نیست؛ حقیقت زیارت درک حضور، فهم مقام امام و ورود قلبی به محضر اوست. نقل‌های دقیق و صادقانه‌ای از بزرگان اخلاق وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از ما به‌جای «زیارت»، فقط «بازدید» می‌کنیم و از حقیقت این حضور غافل می‌مانیم.

آیت‌الله‌العظمی بهجت(ره) در برخورد با یکی از جوانانی که چند جلسه از روضه‌های هفتگی ایشان غایب بود، معنای زیارت را با یک پرسش ساده آشکار کرد. آن جوان پس از سفر مشهد، عرض کرد نایب‌الزیاره بوده است. آیت‌الله بهجت پرسید: «آیا خود حضرت را زیارت کردی؟» جوان گفت فقط بارگاه را دیده است. دوباره پرسید: «حتی در خواب هم دیدار نصیبت نشد؟» و وقتی پاسخ منفی شنید، فرمود: «پس چگونه می‌توان گفت تو زائر حضرت بوده‌ای؟» این بیان نشان می‌دهد که زیارت، پیوند با امام است نه صرفا حضور در مکان.

در خاطره‌ای دیگر، آیت‌الله فهری زنجانی که سال‌ها با آیت‌الله بهجت دوستی داشت، در سفر مشهد از فاصله معنوی خود گلایه کرد و گفت که خود را زمین‌گیر و ایشان را اهل آسمان می‌بیند. درخواست کرد دست‌کم یکی از عنایات امام‌رضا(ع) را بشنود تا بداند اولیای خدا چه می‌بینند. پس از تأثر و سکوتی کوتاه، آیت‌الله بهجت فرمود: «یک بار که مشرف شدم، حضرت مرا پذیرفتند و محیط شکافته شد و مرا به نزد خود بردند. ۱۰ مطلب فرمودند و تنها یکی را می‌گویم؛ مگر می‌شود کسی به ما پناه بیاورد و ما پناهش ندهیم؟» همین یک جمله، نشان می‌دهد که حقیقت زیارت، در پناه‌بردن قلبی به امام است.

زیارت واقعی نیازمند معرفت، احترام، حضور قلب و پاکی نیت است. زائر باید قدر امام را بداند، هر روز با سلام و نشانی از حضرت قدم بردارد و ادب زیارت را رعایت کند. شرط‌گذاری در زیارت، مانند اینکه «حال که آمده‌ام، این حاجت را بده»، با روح ارتباط با معصوم(ع) سازگار نیست؛ زیرا آن بزرگواران به احوال بندگان آگاهند. بهتر است حاجت‌ها را در قالب دعایی عام مطرح کنیم؛ اگر خانه می‌خواهیم، بگوییم «ای امام‌رضا(ع)! واسطه شو و همه بی‌خانمان‌ها را صاحب‌خانه کن.» چنین ادبی، باعث قرب و نظر حضرت می‌شود.

خدمت به زائران، احترام به مهمانان حضرت و رفتار کریمانه در حرم، خود زمینه‌ساز توجه امام(ع) است. زیارت، اگر با معرفت و ادب همراه باشد، می‌تواند نگاه انسان را دگرگون کند و دری از رحمت به روی او بگشاید.

گزارش

وظایفی که بعد از تشییع آقای شهید برعهده ماست

به نیت آقا، کار خیر کنیم

آمنه مستقیمی| **اگرچه ملت مبعوث در همه روزهای پس از شهادت آقای شهید ایران با نگاه به افقی که ایشان ترسیم کرده و راهی که پیش پایشان گذاشته بود، دست از آرمان و خیابان و حمایت میدان نکشیدند و در تشییع‌های تاریخی حماسی تهران، قم، عتبات و مشهد، اوج ارادت و عشق خود را به آن قائد شهید در گوش جهان فریاد زدند، اما کار به همین جا ختم نمی‌شود. حقوق امام شهید انقلاب بر گردن امت، همچنان باقی است و باید راه‌های ادای آن را یافت و پیمود. مروری کرده‌ایم بر خی از این وظایف را که بیشتر جنبه معنوی دارند و ما را به فکر و راه رهبر شهید انقلاب، نزدیک می‌کنند.**

باب ارتباط با آقای شهید، بسته نیست

ولی فقیه به عنوان نایب عام امام زمان(عج)، حقوق و شئونی بر گردن امت دارد و امت هم موظف است آن حقوق را ادا کند؛ همان طور که با شهادت و غیبت فیزیکی امام معصوم(ع)، باب ارتباط با آن حضرات بسته نمی‌شود و مادر اذن دخول حرم‌های مطهر به آن‌ها سلام می‌دهیم واذعان می‌کنیم که شما می‌شنوید و پاسخ می‌دهید، پس از شهادت قائد شهید نیز باب ارتباط با ایشان بسته نخواهد شد و می‌توان و باید راه‌های ارتباط با ایشان را پیدا و تقویت کرد؛ به‌ویژه آنکه رهبر فقید ما علاوه بر اعلم و افقه بودن، با شهادت از دنیا رفته‌اند و تعبیر قرآن درباره شهدا، زنده بودن و روزی خوردن در جوار رحمت حق است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.» (آیه ۱۹۶، آل عمران)

پاسدار وحدت برآمده از خون رهبر شهید باشیم

از دغدغه‌های دائمی و کلیدواژه‌های اغلب سخنرانی‌ها و دیدارهای رهبر شهید با مسئولان، «وحدت» بود. همان‌گونه که قرآن به صراحت بر آن تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، ایشان نیز بر وحدت دینی بین پیروان مذاهب و هم وحدت سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کردند. این مطالبه و دغدغه‌ای نیست که با شهادت ایشان پایان یافته باشد. اتفاقا امروز که دشمن از داخل و خارج و با حربه‌های مختلف در تلاش است که انسجام اجتماعی و وحدت برآمده از خون‌های پاک شهدا را به تاراج ببرد، وظیفه همه ما فارغ از تفاوت‌های فکری سیاسی، حفظ وحدت است؛ حفظ و حراست از وحدتی که خون امام شهید انقلاب در جامعه ایجاد کرده، مهم‌ترین وظایف امت مبعوث است و هر اقدامی که مانع آن شود یا خدشه‌دارش کند، جفا در حق آقای شهید ایران است.

دست از مقاومت بر نداریم

«مقاومت» هم از مفاهیمی است که با نگاه به آموزه‌های قرآن و اهل بیت(ع) در اندیشه و دکترین رهبر شهیدمان، جایگاهی ویژه داشت. ایشان به مناسبت‌های مختلف و در دیدارهایی که با اقشار مردم داشتند، بارها آن‌ها را به مقاومت و پایداری در مسیر رسیدن به قله، توصیه و دعوت کردند. سرانجام نیز جان خود و خانواده‌شان را در مسیر مقاومت و با نگاه به سخن امام حسین(ع) که فرمودند: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَه» ایثار کردند.

حالا که آقای کشور و دوستمان جان‌فدای ما شده‌اند، نمی‌توانیم دست از مقاومت بکشیم؛ هر قدر سخت، هر قدر تلخ، هر قدر داغ، باید ایستاد و این پیچ تاریخی را تا قله پیمود. استمرار راهی که امام شهید برای عزت ایران گشودند، از مهم‌ترین وظایف ما و خود، نوعی انتقام از قاتلان ایشان است، لذا باید روحیه مقاومت را هم در خود و هم در خانواده و جامعه ایجاد کنیم و نگاهمان به قله باشد.

حجاب معاصرت را با معرفت، کنار بزنیم

بسیاری از ما به دلیل حجاب معاصرت (حجابی که باعث می‌شود مفاخر هم‌عصر خود را به درستی نشناسیم) و درگیری در روزمرگی‌های زندگی و دغدغه‌های معیشتی آن، آن‌طور که باید آقای شهید ایران، عمق کشور دوستی و مردم‌دوستی و دغدغه ایشان برای عزت ایران و ایرانی را درک نکرده‌ایم.

بیشترمان با کلیدواژه‌ها یا شعارهای انتخابی‌شان برای سال‌های مختلف آشنا هستیم، اما آن‌طور که باید و شاید، از فلسفه آن‌ها مطلع نیستیم، درحالی‌که تعابیر امام شهیدمان همه فکرشده و با هدف و نگاه بلند درباره آینده نه‌فقط ایران و منطقه، بلکه جهان، انتخاب و بیان شده است. معرفت به آن نگاه بلند، دغدغه‌ها و تبلیغ و ترویج آن اندیشه متعالی، حالا دیگر وظیفه‌ای بر گردن همه ماست؛ همان‌طور که معرفت به امام‌زمان(عج)، راه و مرام و تفکرشان، وظیفه منتظران است، درمقابل نایب عام ایشان نیز موظف به معرفت و شناخت هستیم.

یاد و راهش را زنده نگاه داریم

یکی از وظایف مهم امت دربرابر مقام امام شهیدشان، زنده نگاه‌داشتن یاد و نام و اندیشه و مرام و مکتب ایشان است. شهادت، تشییع باشکوه و برگزاری مراسم ترحیم که آداب ظاهری تکریم ایشان بود، نباید به منزله پایان کار قلمداد شود. این آغاز راه است و هرکه باید به قدر توان خود، راهی برای زنده نگاه‌داشتن یاد و راه ایشان و تبلیغ و ترویج آن داشته باشد. بازخوانی سخنرانی‌ها و پیام‌ها، تلاش برای درک فلسفه و پشت‌پرده دغدغه‌های علمی، دفاعی، اجتماعی در اندیشه رهبر شهید، شرکت در مجالس بزرگداشت و تبیین اندیشه و افکار حضرت آقا و... وظیفه ما درمقابل ایشان به‌عنوان نایب عام حضرت حجت(عج) است.

هنوز به دعای آقای شهیدمان نیاز داریم

اگرچه ما هنوز هم به دعای آقای شهیدمان نیاز داریم و با آن علاقه و عشقی که از ایشان سراغ داریم، این دعاها هنوز هم شامل حال ماست و با آن دعاها هنوز ایستاده‌ایم و داغ‌ها و مصائب، ما را از پای نینداخته است، اما وظیفه داریم با هدیه‌های معنوی، این ارتباط را تقویت و روح آقا راهم خشنود کنیم؛ زیارت‌های نیابتی، قرائت قرآن کریم و هدیه کردن ثواب آن به ایشان، انجام کارهای نیک و خیر به نیابت از ایشان مثل رسیدگی به فقرا و ایتام و محرومان، محبت به ایشان و ابراز آن به شیوه‌های اثرگذار بر خود، خانواده و جامعه و التزام فکری و عملی به مکتبی که امام شهید با نگاه به قرآن و اهل بیت(ع) دنبال می‌کردند، از کارهایی است که ارتباط ما را با امام شهید انقلاب، تقویت و اثرگذار می‌کند.



طرح: رسانه هنری نفحات

درنگ

شکوه تشییع پیکر آقای شهید ایران؛ نشانه شعور و بصیرت امت مبعوث‌شده



حجت‌الاسلام‌والمسلمین هادی عجمی
استاد سطوح عالی حوزه علمیه

گاهی از عدم تعارض احساس، هیجان، شور و غیرت مردم با عشق، شعور و بصیرت سخن گفته می‌شود؛ غافل از اینکه این هانه تنها قابل جمع با یکدیگر هستند، بلکه امکان ندارد در تربیت، از یکدیگر جدا شوند.

این در حالی است که انسان موجودی چندبعدی است که هستی او در پیوند ناگسستنی میان شناخت (Cognition)، احساس (Emotion) و رفتار (Behavior) معنا می‌یابد. در فرایند تربیت، نباید تنها به تکامل یکی از این ابعاد بسنده کرد؛ چراکه شناخت بدون هیجان مولد، به خمودگی فکری می‌انجامد و رفتار بدون زیربنای شناختی، به کنش‌های بی‌هدف تبدیل می‌شود. گاهی از عدم تعارض میان احساس، هیجان، شور و غیرت با عشق، شعور و بصیرت سخن گفته می‌شود،

درحالی‌که حقیقت فراتر از «عدم تعارض» است؛ این‌ها در تربیت اصیل، اموری جدایی‌ناپذیرند که باید در یک کالبد واحد تجلی یابند. درواقع، شعور و بصیرت (شناخت) باید عینیت عشق و غیرت (احساس) باشد تا بتواند به رفتار عزیمت و عمل پایدار (رفتار) منتهی شود. این وحدت ابعاد، در «تربیت سیاسی» نیز ضرورتی بنیادین دارد. تربیت سیاسی، فراتر از یادگیری قواعد، پیوند دادن آگاهی سیاسی (شناخت) با شور عدالت‌خواهی و عشق به ارزش‌ها (احساس) و تبدیل آن به مشارکت فعال (رفتار) است.

رهبر شهید انقلاب، نه‌تنها در دوران رهبری دنیوی که پساشهادت نیز، راهبر و استاد تربیت سیاسی جامعه اسلامی، بلکه امت اسلامی بوده‌اند و خواهند بود. ازجمله عرصه‌های آن، تشییع پیکر ایشان است که کلاس درسی شده است برای امت مبعوث‌شده در رشد تربیت سیاسی؛ ازجمله اینکه کلاس درسی شده است برای پیوند و تعمیق سه بعد شناختی، گرایشی و رفتاری تربیت سیاسی مردم مبعوث‌شده.

در این کلاس درس، تنها برپایه مفاهیم شناختی، به حل مسئله پرداخته نشده است، بلکه محور آن، احساس و هیجان است که به‌گرایشی انسان و جامعه را تشکیل می‌دهد. مانند مجالس سیدالشهدا(ع) در ایام محرم که پایه آن، بعد احساسی و انگیزشی است، اما تربیت‌کننده و اصلاح‌کننده ابعاد شناختی و حتی رفتاری نیز هست. اتفاقا آنچه بر نسل جوان و نوجوان تأثیر افزون می‌گذارد، ورود از دریچه احساس و گرایش است؛ به خلاف نظام رسمی آموزش‌وپرورش که از چنین ظرفیتی، بسیار کم بهره‌است و نتیجه آن، کم‌تأثیری درمقایسه با آن چیزی است که باید باشد.

تعمیق بیشتر شعور و بصیرت شناختی مردم، برپایه رفتار بصیرتی (شرکت در تشییع جنازه و تجمعات شبانه) و برپایه احساس و انگیزه، نیازمند حضور مربیان این عرصه است. رسانه، استادان دانشگاه و مربیان و والدین، نقش اساسی در پایه قراردادن این حرکت احساسی و رفتاری برای تعمیق بصیرت شناختی دارند. اکنون که مقداری از گرد شبهات علیه رهبر شهید امت و آرمان‌های انقلاب با شهادت ایشان برطرف شده است، زمان بسیار مناسبی برای جهاد تبیین است؛ البته هنرمندانه و غیرتفرقه‌افکن؛ با سیاست جذب حداکثری رانده‌شدگان از شناخت و بصیرت انقلابی.

گرچه این شهادت و این تشییع و حضور مردم مبعوث‌شده، خود سنگینی این بار را به‌خوبی برداشته است، ورود هنرمندانه رسانه و مربیان، می‌تواند این بعد را تقویت کند. ساخت فیلم‌های سینمایی و سریالی و حتی انیمه‌ها، تأثیر بسیاری بر فرهنگ عمومی می‌گذارد؛ همچنان‌که موسیقی‌ها و مداحی‌های قوی، نیز اثر خود را در تقویت فرهنگ عمومی در این ابعاد نشان داده‌است. ازسویی، برای نگهداشت این حلقه وصل، لازم است هنرمندانه اقداماتی انجام داد برای سرد نشدن این پیوند عاطفی و احساس عمومی به‌وجودآمده درباره رهبر شهید انقلاب تا این بستر و حلقه وصل باقی بماند.

امیدواریم از این ظرفیت به‌وجودآمده حداکثر استفاده بشود!